




Examining the Role of the Company's Strategic System on the Relationship between Tax Avoidance and Power Seeking by Managers

Masoud Toosinezhad ¹, Ghader Babaei ^{2*}

1. MA, Department of Accounting, Azarshahr Branch, Islamic Azad University, Azarshahr, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Accounting, Azarshahr Branch, Islamic Azad University, Azarshahr, Iran.

❖ Corresponding Author Email: gh_babaei@mailsac.com

Journal Info:

Volume 2, Issue 1 Spring 2023
Pages: 66-80

Article Dates:

Receive: 2023/03/03
Accept: 2023/05/11
Published: 2023/06/21

Keywords:

Tax Avoidance, Managers
Seeking Power, Company
Management System

The main purpose of the present study was to investigate the effect of tax avoidance on managers' desire for power, emphasizing the role of the company's governance system. The method of this research is practical in terms of its purpose, and from the point of view of correlation methodology, it is causal type (post-event). The statistical population of the research is the companies admitted to the Tehran Stock Exchange, and using the systematic elimination sampling method, 129 companies were selected as the research sample in the 6-year period between 1395 and 1400. The method used to collect information is a library, and the relevant data for measuring the variables were collected from the Kodal website and the financial statements of the companies, and initial calculations were made in Excel, then Stata software was used to test the research hypotheses. The results of the research show that tax avoidance has a positive and significant effect on managers' desire for power. However, the management system of the company has an inverse and significant effect on the relationship between tax avoidance and power seeking by managers.

Article Cite:

Toosinezhad M, Babaei Gh. (2023). Examining the Role of the Company's Strategic System on the Relationship between Tax Avoidance and Power Seeking by Managers, *Dynamic Management and Business Analysis*. 2(1): 66-80



[10.22034/dmbaj.2024.2022943.1019](https://doi.org/10.22034/dmbaj.2024.2022943.1019)



Creative Commons: CC BY 4.0



بررسی نقش نظام راهبردی شرکت بر رابطه اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران

مسعود طوسی نژاد ^۱ID، قادر بابایی ^۲ID

۱. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، واحد آذرشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آذرشهر، ایران.

۲. استادیار، گروه حسابداری، واحد آذرشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آذرشهر، ایران (نویسنده مسئول).

✦ ایمیل نویسنده مسئول: gh_babaei@mailsac.com

اطلاعات نشریه:

دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲

صفحات: ۸۰-۶۶

تاریخ های مقاله:

دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۱

انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱

واژگان کلیدی:

اجتناب مالیاتی، قدرت طلبی مدیران، نظام

راهبری شرکت

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تاثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیران با تاکید بر نقش نظام راهبری شرکت بود. روش این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی بوده و از بعد روش شناسی همبستگی از نوع علی (پس رویدادی) می باشد. جامعه آماری پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و با استفاده از روش نمونه گیری حذف سیستماتیک، ۱۲۹ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده در دوره‌ی زمانی ۶ ساله بین سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفتند. روش مورد استفاده جهت جمع آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده و داده‌های مربوط برای اندازه‌گیری متغیرها از سایت کدال و صورت‌های مالی شرکت‌ها جمع‌آوری شده و در اکسل محاسبات اولیه صورت گرفته سپس برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم افزار استاتا استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیران تاثیر مثبت و معناداری دارد. ولی، نظام راهبری شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران تاثیر معکوس و معناداری دارد.

استناد به مقاله:

طوسی نژاد م، بابایی ق. (۱۴۰۲). بررسی نقش نظام راهبردی شرکت بر رابطه اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران، مدیریت پویا و تحلیل کسب و کار. ۱(۲): ۸۰-۶۶.



مقدمه

اجتناب از مالیات یکی از استراتژی‌های مهم شرکت‌ها است. یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی هر کشوری مالیات است. در ایران نیز در سال‌های اخیر با توجه به تحریم‌هایی که در خصوص خرید نفت وجود دارد، استراتژی درآمدهای دولت به سمتی پیش می‌رود که بیشتر متکی بر مالیات خواهد بود؛ لذا، پرداخت مالیات نقش بسیار مهمی در اقتصاد کلان ایفا می‌کند (چوبی و پارک، ۲۰۲۲). با این وجود، شرکت‌ها معمولاً سعی بر آن دارند تا با استفاده از خلأهای قانونی موجود از پرداخت مالیات خودداری کنند (بائر و کنت، ۲۰۲۲). به عبارتی می‌توان گفت که مالیات یکی از عوامل مهم و کلیدی در بسیاری از تصمیم‌های مالی شرکتها است. در این میان، اجتناب و فرار مالیاتی در کشورها و از جمله ایران باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه برآورد شده کمتر باشد (آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۵).

تحقیقات پیشین نشان داده است فرصت طلبی مدیریتی می‌تواند توسط فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تشدید شود (بایار و همکاران، ۲۰۱۸؛ چوآبی و همکاران، ۲۰۲۱). چندین مطالعه شواهدی را ارائه می‌دهند که فرصت‌طلبی مدیریتی با فعالیت‌های اجتناب از مالیات تسهیل می‌شود (دخیل، ۲۰۲۱؛ گوئرکی، ۲۰۱۹؛ دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹). بر اساس نظریه نمایندگی استدلال می‌شود که مدیران انگیزه بالایی در استفاده از منابع شرکتی برای قدرت طلبی تجاری جهت حفظ منافع خصوصی خود مثلاً با دستیابی به پاداش بالاتر و ارضای تمایل خود برای موقعیت، قدرت و اعتبار دارند، مدیرانی که انگیزه بالایی برای کسب منافع شخصی دارند، از طریق جداسازی مالکیت از مدیریت، فرصت بیشتری دارند تا به جای استفاده از این شیوه‌ها برای افزایش ثروت سهامداران، خود را در شیوه‌های اجتناب از مالیات به نفع خود درگیر کنند. گوئرکی (۲۰۱۹) نشان داد که مدیران شرکت‌هایی با انگیزه بالای اجتناب مالیاتی، با حمایت ضعیف از سرمایه‌گذاران، پس‌اندازهای مالیاتی را به سرمایه‌گذاری بیش از حد و هزینه‌های تحقیق و توسعه بیش از حد اختصاص داده و این احتمال را برجسته می‌کنند که این مدیران از پس‌انداز مالیاتی شرکت‌ها استفاده می‌نمایند (گویندان و همکاران، ۲۰۲۱).

دسای و دارماپالا (۲۰۰۶) استدلال می‌کنند که اجتناب از مالیات شرکت‌ها می‌تواند در حضور نظارت کمتر و کاهش شفافیت افزایش یابد. دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) دریافتند که اجتناب مالیاتی تنها زمانی که نظارت نهادی وجود داشته باشد تأثیر مثبتی بر ارزش شرکت دارد. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که در غیاب نظارت قوی، مدیران می‌توانند از شیوه‌های اجتناب از مالیات برای منافع شخصی خود استفاده کنند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹). وقتی مدیران درگیر اجتناب از مالیات هستند، باید هدف اصلی معاملات که کاهش هزینه مالیات شرکت می‌باشد را کاهش دهند. این پنهان‌سازی برای پنهان کردن هدف واقعی ضروری است، اما همزمان فرصت‌هایی را برای مدیران فراهم می‌کند که به نفع شخصی آن‌ها باشد (کیم و همکاران، ۲۰۲۳). مدیران می‌توانند فعالیت‌های پیچیده اجتناب از مالیات را انجام دهند، که بعداً از آنها را در پیگیری منافع شخصی خود استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، در مورد انرون، این شرکت بین سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹ مالیات صفر پرداخت کرد. تحقیقات پیشین استدلال می‌کنند که رفتار فرصت طلبانه مدیران را می‌توان از طریق بهبود حاکمیت شرکتی و نظارت خارجی کنترل و مهار نمود (هنلون و هیتزمن، ۲۰۱۱). مدل توسعه یافته توسط کراکر و اسلمرود (۲۰۰۵) تشخیص می‌دهد که یک مکانیسم مؤثر برای کاهش فرار مالیاتی، اعمال جریمه بر مسئول مالیات شرکت است. مدل آنها ادعا می‌کند که یک شرکت می‌تواند جریمه‌های مالیاتی احتمالی را با طراحی مجدد قراردادهای جبران خسارت مدیریتی جبران کند (حسینوف و همکاران، ۲۰۱۷). نتیجه این است که نظارت و مکانیسم‌های تشویقی باید وجود داشته باشد تا انگیزه‌های اجتناب مالیاتی مدیران را با انگیزه‌های سهامداران هماهنگ کند. در غیاب این مکانیسم‌ها، استراتژی‌های اجتناب از مالیات می‌توانند توسط مدیران اجرا شوند. دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) استدلال می‌کنند که منافع حاصل از تمرین‌های اجتناب از مالیات احتمالاً می‌تواند با فرصت‌هایی برای مدیران برای انجام انحراف اجاره بهاء، به ویژه در شرکت‌های ضعیف، جبران شود. این نویسندگان تأثیر اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت را مثبت و مهم‌تر در بین شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی خوب نسبت به شرکت‌هایی با مدیریت ضعیف می‌دانند که به این معناست که بهبود حاکمیت شرکتی اهداف مدیریتی اجتناب مالیاتی را با اهداف سهامداران همسو می‌کند. کوورمن و ولات (۲۰۱۹)، دریافتند که عملکرد پس از مالیات واحدهای تجاری تأثیر منفی بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت دارد، به این معنی که طراحی طرح‌های تشویقی مبتنی بر حسابداری صریح برای مدیران در دستیابی به مالیات‌های با اهمیت اقتصادی مهم است. به طور مشابه، لانیس و همکاران (۲۰۱۸)، دریافتند که از طریق حساسیت پرداخت-عملکرد، مدیران قراردادهای تشویقی برای کاهش مالیات‌های

¹ Choi, J.; Park, H

² Bauer, A.; Kenneth, J.K

³ Armstrong et al

⁴ Bayar et al

⁵ Chouaibi et al

⁶ Dakhli, A.

⁷ Goerke, L

⁸ Desai, M. A., and D. Dharmapala.

⁹ Govindan et al

¹ Kim et al 0

¹ Hanlon, M. & S. Heitzman. 1

¹ Crocker, K.J., Slemrod 2

¹ Huseynov et al 3

¹ Kovermann, J., & Velte, P 4

¹ Lanis et al 5

پرداختی توسط شرکت هایشان در بلندمدت ارائه می کنند. لانیس و ریچاردسون^۶ (۲۰۱۲)، همچنین دریافته اند که مشوق های درآمد پس از مالیات در غرامت مدیرعامل به کاهش قابل توجه نرخ مؤثر مالیاتی تقریباً ۵/۷ درصد برای یک شرکت معمولی در نمونه آنها تبدیل می شود. با توجه به مطالب ذکر شده مساله اصلی تحقیق حاضر این است که آیا نظام راهبردی شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران تاثیر معناداری دارد؟

وقتی مدیران درگیر اجتناب مالیاتی می شوند، آن ها نیاز به پنهان کردن اطلاعات اساسی مربوط به معاملات دارند (مونتنگرو^۷، ۲۰۲۱). این پنهان کاری های برای اجتناب مالیاتی لازم است؛ با این حال، این عامل فرصت اقدامات انحرافی برای مدیران را فراهم می کند. مدیرانی که در چنین موقعیتی اقدام به فعالیت هایی در جهت منافع شخصی خود می کنند، اخبار و اطلاعات مربوط به این عوامل را پنهان می کنند؛ چرا که مدیر در راستای منافع شخصی خود حرکت کرده و این موضوع باعث وارد آمدن ضرر و زیان به سهامداران و سایر سرمایه گذاران شرکت می شود. لذا مدیر سعی می کند تا اخبار بد و منفی مربوطه را پنهان کند. این پنهان کاری تا نقطه اوج خود پیش می رود و یک باره تمامی اطلاعات و اخبار بد وارد بازار شده و به تبع آن قیمت سهام شرکت، ریزش ناگهانی خواهد داشت. از دیدگاه ناتالیا و همکاران^۸ (۲۰۲۱) پژوهش های پیشین در زمینه اجتناب مالیاتی بر ویژگی های خاص شرکت ها تمرکز کرده اند. این در حالی است که برخی از ویژگی های شخصی مدیران به - عنوان تصمیم گیرنده می تواند نقش های کلیدی و اساسی در این بین داشته باشد. ناتالیا و همکاران (۲۰۲۱)، بر این عقیده استوارند که اجتناب از پرداخت مالیات، عدم افشای اطلاعات شرکت به گونه کامل را به دنبال خواهد داشت. این موضوع نه تنها برای سال مربوط به اجتناب مالیاتی، بلکه برای دوره های بعد نیز مصداق پیدا می کند؛ چراکه شرکت می خواهد نشان دهد که مالیات آن در دوره های قبل کمتر بوده است، لذا باید اطلاعات را مورد دست کاری قرار دهد. این موضوع باعث می شود که اخبار منفی در شرکت انباشت شود و یک باره هنگامی که مخفی کاری این اخبار بد به نقطه اوج خود رسید، وارد بازار شود (ریچاردسون و همکاران^۹، ۲۰۱۶). با ورود توده اخبار منفی شرکت به بازار پدیده سقوط قیمت سهام رخ خواهد داد. با این حال، مدیرانی که از قابلیت بالایی برخوردارند معمولاً این وضعیت را طوری مدیریت می کنند که خطرات کمتری برای شرکت به دنبال داشته باشد. نرخ مؤثر مالیاتی از مهمترین موارد مورد بحث در حوزه مالیات می باشد. تعیین نرخ مؤثر مالیاتی می تواند به عنوان ابزاری جهت هدایت سرمایه استفاده شود و می توان با کاهش یا افزایش آن رفتار سرمایه گذار را در جهت سیاست های کلان دولت هدایت نمود (سالچی و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۹). نرخ مؤثر مالیاتی عبارتست از نرخ واحد که بر اساس آن از فعالیت مشمول مالیات، مالیات اخذ می شود. به عبارت دیگر، این نرخ از تقسیم مالیات بخش موردنظر بر پایه درآمد آن بخش حاصل می گردد (وانگ و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۶). این نرخ را می توان برای بخش هایی نظیر مشاغل، اشخاص حقیقی و حقوقی محاسبه نمود، اما محدودیت اطلاعات برآورد نرخ مؤثر مالیاتی در بخش ها را دشوار می نماید. علاوه بر این، حتی برآورد دقیق و واقعی مالیات به دلیل موجود نبودن اطلاعات گرچه ناممکن نیست، اما بسیار دشوار و هزینه بر است. بنابراین انجام مطالعاتی که به بررسی اثرات نرخ مؤثر مالیاتی بر متغیرهای مالی بپردازد از اهمیت بالایی برخوردار است (بینگ و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۷). در مورد انگیزه های شرکت ها برای درگیر شدن در فعالیت هایی که شامل برنامه ریزی مالیاتی تهاجمی و اجتناب از مالیات است، موضوعات بسیاری ناشناخته باقی مانده است. این خلاء به ویژه در رابطه با پیامدهای تئوری نمایندگی در تمرینات اجتناب از مالیات شرکت ها قابل مشاهده است (ژنگ^{۱۳}، ۲۰۱۹).

خرم آبادی و همکاران (۱۴۰۱)، به بررسی نقش کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت ها و اجتناب مالیاتی پرداختند. این پژوهش به بررسی ارتباط بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت و اجتناب مالیاتی با تاکید بر نقش کیفیت حاکمیت شرکت ها در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران می پردازد. این پژوهش از نوع کاربردی و توصیفی پس رویدادی است. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۳ می باشد که با استفاده از روش حذف سیستماتیک، تعداد ۱۲۷ شرکت به عنوان نمونه آماری تعیین گردید. برای آزمون فرضیه های پژوهش، از روش رگرسیون چند متغیره با استفاده از داده های ترکیبی استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین کیفیت حاکمیت شرکتی نقش میانجی در رابطه بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت و اجتناب مالیاتی دارد. مختاری و جابری خسروشاهی (۱۴۰۱)، به بررسی تاثیر کنترل های داخلی بر اجتناب مالیاتی با تاکید بر نقش تعدیلگری شهرت شرکت و مالکیت نهادی پرداختند. هدف این پژوهش، بررسی تاثیر کنترل های داخلی بر اجتناب مالیاتی با تاکید بر نقش تعدیلگری شهرت شرکت و مالکیت نهادی شرکت های عضو بورس اوراق بهادار تهران است. این پژوهش از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از نظر روش شناخت، توصیفی از نوع همبستگی است و در زمره پژوهش های شبه تجربی و پس رویدادی قرار دارد. داده های لازم از طریق روش کتابخانه ای و نرم افزار اطلاعاتی ره آورد نوین و مراجعه به سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران جمع آوری شده است. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۵۹ شرکت در طی سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ می باشد. آزمون فرضیه ها با استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره و با استفاده از نسخه نهم نرم افزار ایوبوز استفاده شده است. نتایج نشان دادند که بین کنترل های داخلی و اجتناب مالیاتی رابطه معنی داری و معکوسی وجود دارد. همچنین شهرت شرکت و مالکیت نهادی بر رابطه بین کنترل های داخلی و اجتناب مالیاتی تاثیر معنی دار و مستقیمی

1 Lanis, R. and Richardson, G⁶

1 Montenegro 7

1 Natalia et al 8

1 Richardson et al 9

2 Salhi et al 0

2 Wang et al 1

2 Ying et al 2

2 Zeng 3

دارد. نورانی آزاد و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر مارک‌آپ و شیوه حکمرانی شرکتی بر اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. هدف محوری پژوهش حاضر ارزیابی تأثیر مارک‌آپ و شیوه حکمرانی شرکتی بر اجتناب مالیاتی بنگاه‌های بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور از داده‌های ۱۰۰ بنگاه فعال تولیدی در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۰ استفاده شد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که مدیران بنگاه‌های دارای قدرت بازاری به دلیل قرار گرفتن در حاشیه امن و مصونیت از رقبا نگرانی برای کاهش سود ندارند. همچنین، مدیران به‌منظور برخورداری از پاداش پرداختی و طرح‌های تشویقی سهامداران در جهت حداکثرسازی ثروت و ارزش بنگاه تلاش نموده و فعالیت اجتناب مالیاتی را به شدت افزایش می‌دهند. به‌علاوه، نتایج تأثیر شیوه حکمرانی شرکتی موید آن است که سرمایه‌گذاران نهادی به‌دلیل نفع مالی حاصل از سرمایه‌گذاری و دستیابی به قدرت بازاری، انگیزه نظارت بالاتر بر فعالیت مدیران برای کاهش هزینه نمایندگی و افزایش اجتناب مالیاتی خواهند داشت. در مجموع مدیران و سهامداران تلاش دارند از طریق کاهش تضاد منافع، میزان اجتناب مالیاتی را افزایش دهند. خوشکار و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی نقش تعدیلگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی پرداختند. در این پژوهش بررسی نقش تعدیلگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش برگرفته از صورت‌های مالی ۱۴۲ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۹ می‌باشد. پژوهش انجام‌شده از نظر نوع هدف جزء پژوهش‌های کاربردی است و روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی همبستگی می‌باشد و برای تجزیه و تحلیل فرضیه از تحلیل پانلی کمک گرفته شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که بین کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، این رابطه منفی و معنی‌دار را تقویت می‌کند. رجایی زاده هرنندی و عشوری (۱۴۰۰) به بررسی تأثیر تخصص مالی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. هدف کلی پژوهش، بررسی تأثیر تخصص مالی بر اجتناب مالیاتی می‌باشد. به‌منظور دستیابی به هدف فوق، اقدام به تدوین سه فرضیه شد. بر این اساس به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، نمونه‌ای متشکل از ۱۱۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۹ انتخاب شد. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از مدل رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که بین تخصص مالی در مدیرعامل، هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد بدین معنی که با افزایش این معیارها، اجتناب مالیاتی کاهش خواهد یافت.

چویی و پارک (۲۰۲۴) به بررسی اجتناب از مالیات، ریسک مالیاتی و حاکمیت شرکتی: شواهدی از کره پرداختند. این مطالعه به بررسی ارتباط بین نرخ موثر مالیات شرکتی و نوسانات نرخ‌های مالیات شرکتی موثر در آینده در شرکت‌های کره ای می‌پردازد و تأثیر حاکمیت شرکتی را بر ارتباط بین اجتناب مالیاتی و ریسک مالیاتی تجزیه و تحلیل می‌نماید. نمونه تحقیق شامل تمام شرکت‌های فهرست شده در بازار شاخص قیمت سهام مرکب، کره است. نتایج نشان می‌دهد که نوسانات نرخ موثر مالیات شرکتی و نرخ موثر مالیات شرکتی رابطه منفی معناداری دارند. و وقتی سطح اجتناب مالیاتی شرکتی افزایش می‌یابد، ریسک مالیاتی کاهش می‌یابد و زمانی که سطح اجتناب مالیاتی شرکت کاهش می‌یابد، ریسک مالیاتی افزایش می‌یابد. علاوه بر این نتایج نشان داد که هر چه ساختار حاکمیت شرکتی بهتر باشد، سطح نظارت و کنترل مدیران بالاتر خواهد بود و در نتیجه تأثیر فرار مالیاتی بر ریسک مالیات شرکت‌ها در آینده کاهش می‌یابد. هراواتی و همکاران^{۲۵} (۲۰۲۱) به بررسی آیا اجتناب از مالیات شرکت‌ها باعث ایجاد فرصت طلبی مدیریتی می‌شود؟ پرداختند. در این تحقیق ارتباط بین اجتناب از مالیات شرکت‌ها و فرصت طلبی مدیریتی با استفاده از ۳۵۰۶۰ مشاهدات سالانه شرکت از ایالات متحده (ایالات متحده) برای دوره ۱۹۹۱-۲۰۱۵ بررسی گردید. محققین با انجام یک تحلیل عاملی بر روی چهار پروکسی فرصت طلبی مدیریتی، مورد استفاده در ادبیات، یک اندازه‌گیری ترکیبی برای فرصت طلبی مدیریتی ایجاد نمودند. نتایج نشان داد، مشکلات نمایندگی بر شرکت‌هایی تحمیل می‌شود که از استراتژی‌های اجتناب مالیاتی استفاده می‌کنند که به نوبه خود، استخراج رانت مدیریتی را از طریق پرخاشگری در رشد و انباشت دارایی تسهیل می‌کند. علاوه بر این، رابطه اجتناب از مالیات شرکت‌ها با فرصت طلبی مدیران در شرکت‌هایی با حکمرانی ضعیف، مکانیسم‌های نظارت ضعیف، قدرت مدیر ارشد اجرایی (مدیرعامل) بیشتر و عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی شرکتی آشکارتر است. همچنین نتایج نشان داد اجتناب مالیاتی با انگیزه فرصت طلبی مدیریتی منجر به کاهش ارزش شرکت می‌شود. گارسیا مکا^{۲۶} و همکاران (۲۰۲۱) به پژوهشی با عنوان «آیا مدیران عامل خودشیفته مالیات‌تهاجمی بیشتری دارند؟ نقش تعدیل‌کننده کمیته‌های حسابرسی داخلی» پرداختند. این مطالعه تأثیر تمایلات خودشیفتگی مدیر عامل اجرایی (مدیرعامل) در مورد اجتناب از مالیات شرکت‌ها را بررسی می‌کند. علاوه بر این، هدف آن آزمایش تأثیر تعدیل‌کننده دو ویژگی کمیته حسابرسی، اندازه و جنسیت، در رابطه بین خودشیفتگی و اجتناب از مالیات است. با استفاده از یک نمونه تجزیه و تحلیل اسپانیایی متشکل از ۱۳۰۳ مشاهدات سالانه از دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۷، یافته‌ها نشان‌دهنده حمایت از فرضیه‌های تحقیق است. خودشیفتگی مدیرعامل با اجتناب از مالیات رابطه مثبت دارد. خودشیفتگی یک ویژگی شخصیتی محسوب می‌شود که باعث می‌شود مدیران عامل اجرایی استراتژی‌های اجتناب از مالیات را اجرا کنند. با این حال، این رفتار اختیاری توسط برخی از ویژگی‌های کمیته حسابرسی محدود شده است. شرکت‌هایی که کمیته‌های حسابرسی بزرگتری دارند به کنترل عواقب خودشیفتگی مدیرعامل در اجتناب از مالیات کمک می‌کنند. علاوه بر این، کمیته‌های مختلف حسابرسی جنسیتی نسبت به تجاوزات مالیاتی شرکت حساسیت بیشتری نشان می‌دهند و عملکردهای مالیاتی تهاجمی را که توسط مدیران عامل خودشیفته تبلیغ می‌شوند، کاهش می‌دهند. بنابراین، اثربخشی کمیته حسابرسی در نظارت بر تصمیمات مدیریتی مربوط به اجتناب از مالیات بسیار مهم است. چویی و همکاران^{۲۷} (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر

2 Choi, & Park 4
 2 Herawati et al 5
 2 García-Meca 6
 2 Choi 7

سازگاری در اختلاف درآمد قبل از مالیات و درآمد مشمول مالیات بر پیش بینی درآمد تحلیلگران: شواهدی از صحت پیش بینی و اطلاعاتی بودن» به این نتیجه رسیدند که ثبات اختلافات درآمد قبل از مالیات و درآمد مشمول مالیات با پیش بینی های دقیق تر و آموزنده تری در ارتباط است. این نشان می دهد که اطلاعات موجود در سازگاری اختلاف درآمد قبل از مالیات و درآمد مشمول مالیات، نقش مهمی در بالا بردن کیفیت پیش بینی تحلیلگران دارد. علاوه بر این، اثر سازگاری در اختلاف مالیات دفتری بر کیفیت پیش بینی تحلیلگر برای شرکت های دارای محیط اطلاعاتی پر سر و صدا بیشتر است. همچنین نتایج نشان داد که رابطه بین ثبات اختلاف درآمد قبل از مالیات و درآمد مشمول مالیات و بهبود در صحت پیش بینی و اطلاعات پس از اجرای افشای عادلانه مقررات، که باعث افزایش نقش اطلاعات عمومی در پیش بینی تحلیلگران می شود، قویتر است.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ طبقه بندی بر حسب هدف، پژوهشی کاربردی است و از لحاظ طبقه بندی بر مبنای روش، تحقیق توصیفی محسوب می شود و از میان تحقیقات توصیفی، از نوع همبستگی است. روش مورد استفاده در این پژوهش، روش میدانی با استفاده از اطلاعات تاریخی به صورت پس رویدادی (استفاده از اطلاعات گذشته) می باشد. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش بانک های اطلاعاتی، اطلاعات استخراج شده از بورس اوراق بهادار تهران پایان نامه ها، مقالات داخلی و خارجی و منابع اینترنتی معتبر می باشد. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار Excel محاسبه و با نرم افزار Stata17 مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. و برای آزمون فرضیات با استفاده از آزمون های لوین، لی و چو، آزمون چاو (آماره F لیمر)، آزمون هاسمن و رگرسیون به ترتیب برای بررسی ایستایی متغیرها، خودهمبستگی، تعیین روش بکارگیری داده های ترکیبی (تشخیص همگن یا ناهمگن بود) و نوع اثر گذاری متغیرها پرداخته می شود. در این پژوهش جهت آزمون فرضیه های تحقیق از گزارشات مالی طبقه بندی شده و حسابرسی شده شرکت های فعال پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال های ۱۳۹۵-۱۴۰۰ استفاده می گردد.

جهت انتخاب نمونه طبق روش سیستماتیک (غربالگری)؛ محدودیت های زیر بر روی شرکت های جامعه آماری اعمال می گردد:

- شرکت هایی که قبل از سال ۱۳۹۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۴۰۰ از فهرست شرکت های بورسی حذف نشده اند.
- شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی نیستند (شرکت های سرمایه گذاری، به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت ها، در جامعه آماری منظور نشدند).

- طول وقفه انجام معاملات در این نمونه طی دوره زمانی یاد شده، بیشتر از شش ماه نباشد.

- پایان سال مالی آن ها اسفندماه باشد.

در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک برای رسیدن به نمونه استفاده شد.

جدول ۱. تعداد نمونه پژوهش با روش حذف سیستماتیک

۵۳۴	جامعه آماری در سال ۱۴۰۰ (شرکت های فعال در بورس در سال ۱۴۰۰)
(۶۹)	کسر می شود: شرکت های دارای توقف معاملاتی سهام
(۱۱۷)	کسر می شود: شرکت های لغو پذیرش شده
(۷۴)	کسر می شود: شرکت هایی که سال مالی آن ها منتهی به ۲۹ اسفند نیست
(۳۹)	کسر می شود: عدم دسترسی به داده ها
(۱۰۶)	کسر می شود: شرکت های سرمایه گذاری، بانک ها و بیمه ها
۱۲۹	نمونه نهایی پژوهش

یافته های پژوهش

مدل مفهومی (شمتاتیک) و نحوه اندازه گیری متغیرها

الگوی تحقیق بر اساس مدل ارائه شده در مقاله شمس و همکاران (۲۰۲۱) به شرح زیر می باشد:
مدل فرضیه اول:

H_0 : اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیران تاثیر مثبت و معناداری ندارد.

$$H_0: \beta = 0$$

H_1 : اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیران تاثیر مثبت و معناداری دارد.

$$H_1: \beta \neq 0$$

$$PM_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 Tax_{i,t} + \beta_2 CASH_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 MB_{i,t} + \beta_7 AGE_{i,t} + \beta_8 SGROWTH_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

مدل فرضیه دوم:

H_0 : نظام راهبردی شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران تاثیر معکوس و معناداری ندارد.

$$H_0: \beta = 0$$

H_1 : نظام راهبری شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران تاثیر معکوس و معناداری دارد.

$$H_1: \beta \neq 0$$

$$PM_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 Tax_{i,t} + \beta_2 GOV_{i,t} + \beta_3 (Tax_{i,t} \times GOV_{i,t}) + \beta_4 CASH_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 MB_{i,t} + \beta_9 AGE_{i,t} + \beta_{10} SGROWTH_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

➤ متغیر مستقل: اجتناب مالیاتی (Tax)

در پژوهش حاضر، برای محاسبه اجتناب مالیاتی واحدهای اقتصادی از نرخ موثر پرداخت استفاده خواهد شد بدین صورت که اجتناب مالیاتی از طریق تفاضل نرخ قانونی مالیات و نرخ موثر مالیاتی بدست خواهد آمد.

نرخ قانونی مالیات = برابر ماده ۱۰۵ قانون مالیات های مستقیم مالیات بر درآمد شرکت ها ۲۵٪ و بر اساس ماده ۱۴۳ شرکت هایی که دارای سهام شناور آزاد می باشند ۲۲٫۵٪ و شرکت هایی که بیش از ۲۰٪ سهام شناور آزاد دارند ۲۰٪ مشمول مالیات بر درآمد می باشند.

➤ متغیر وابسته: قدرت طلبی مدیریتی (PM)

در این تحقیق یک شاخص ترکیبی برای اندازه گیری قدرت طلبی مدیریتی (EMPIRE_BUILD) بر اساس سه معیار زیر ایجاد می کنیم که عبارتند از:
 (۱) سطح مخارج سرمایه ای (CAPEX): نسبت مخارج سرمایه ای در پایان سال مالی جاری به مخارج سرمایه ای در پایان سال مالی قبل.
 (۲) رشد کل دارایی ها (AGROWTH): نسبت کل دارایی ها در پایان سال مالی جاری به کل دارایی در پایان سال مالی قبل.
 (۳) رشد در اموال، ماشین آلات و تجهیزات (PPEGROWTH). نسبت اموال، ماشین آلات و تجهیزات در پایان دوره جاری سال مالی به اموال، ماشین آلات و تجهیزات در پایان سال مالی سال قبل.

این شاخص ترکیبی بر اساس امتیازهای عاملی به دست آمده از تجزیه و تحلیل مؤلفه های اصلی مخارج سرمایه ای، رشد کل دارایی ها، و رشد در اموال، ماشین آلات و تجهیزات است. مقادیر بالاتر این شاخص نشان دهنده سطح بالاتری قدرت طلبی مدیریتی است، در حالی که مقادیر پایین تر نشان دهنده سطح پایین تری از قدرت طلبی مدیریتی است.

نکته: CAPEX، AGROWTH و PPEGROWTH به عنوان معیارهای معکوس قدرت طلبی مدیریتی تلقی می شوند.

➤ متغیر تعدیلگر: نظام راهبری شرکتی (GOV)

از چهار شاخص زیر برای سنجش حاکمیت شرکتی استفاده می شود:

(۱) کیفیت حسابرسی (AuditQ): اگر صورت های مالی توسط سازمان حسابرسی و مفید راهبر حسابرسی شده باشد عدد یک در غیر این صورت عدد صفر خواهد بود.

(۲) استقلال هیئت مدیره (Board independence): از نسبت مدیران غیرموظف به تعداد کل هیئت مدیره اندازه گیری خواهد شد. سپس، بدین صورت که شرکت هایی بیش از نیمی از اعضای آنها عضو مستقل بوده باشد عدد یک در غیر این صورت عدد صفر تعلق می گیرد.

(۳) عدم دوگانگی نقش مدیر عامل (DUAL): در صورتی که مدیر عامل، رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره نیز باشد ارزش صفر در غیر این صورت ارزش یک در نظر گرفته می شود.

(۴) مالکیت نهادی (INSTOWN): اگر میزان درصد مالکیت مالکان نهادی در شرکت بیش از میانگین مالکیت نهادی کل نمونه بوده باشد عدد یک در غیر این صورت عدد صفر خواهد بود.

پس از مشخص شدن متغیرها و تعریف عملیاتی آنها، حاکمیت شرکتی بشرح ذیل محاسبه گردید:

$$GINDEX = \frac{\sum_{j=1}^m d_j}{\sum_{j=1}^n H_j}$$

در رابطه G index برای هر شرکت $\sum d$ بیانگر اقلامی است که امتیاز یک گرفته اند و $\sum H$ در این رابطه بیانگر کلیه اقلامی، در مجموع شرکتهاست است که ارزشهای صفر یا یک در مورد آنها لحاظ شده است. به این ترتیب، در مورد هر شرکت شاخص توانایی حاکمیت شرکتی اندازه گیری شده، در دامنه صفر تا یک قرار می گیرد. که عدد ۱ برای شرکت هایی باتوانایی راهبری شرکتی بالا و عدد صفر برای شرکت هایی با راهبری شرکتی پایین در نظر گرفته می شود.

➤ متغیرهای کنترلی:

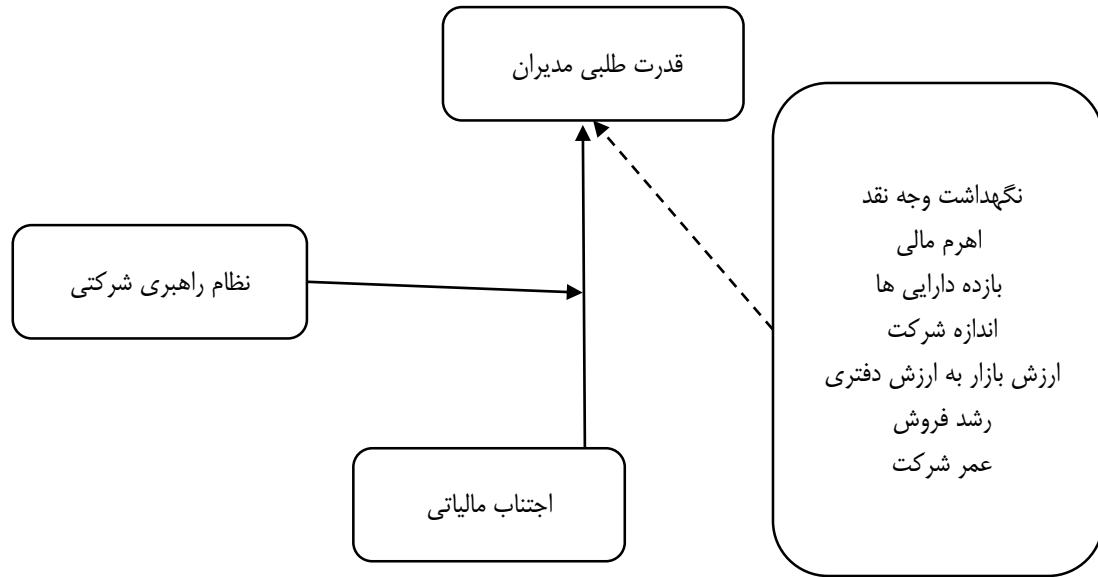
نگهداشت وجه نقد (CASH): نسبت وجه نقد و معادل های نقدی به کل دارایی ها

اهرم مالی (LEV): نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها

بازده دارایی ها (ROA): سود قبل از مالیات تقسیم بر کل دارایی ها

اندازه شرکت (size): لگاریتم طبیعی کل داراییهای شرکت

ارزش بازار به ارزش دفتری (MB) معیاری برای سنجش فرصتهای رشد: ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی ها. رشد فروش (SGROWTH): درصد تغییر در درآمد فروش سالانه
 عمر شرکت (AGE): لگاریتم طبیعی تعداد سالهای فعالیت شرکت از زمان تاسیس شرکت تا سال مورد نظر.



شکل ۱. مدل مفومی پژوهش (شمس و همکاران، ۲۰۲۱)

تجزیه و تحلیل داده‌ها

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۲)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد. آمار توصیفی مربوط به ۱۲۹ شرکت نمونه طی دوره زمانی ۶ ساله (۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰) می‌باشد.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
قدرت طلبی مدیریتی	PM	۷۷۴	۰,۷۴۹	۱,۱۴۹	-۰,۸۹۷	۷,۸۰۴
اجتناب مالیاتی	Tax	۷۷۴	۰,۱۳۱	۰,۰۷۹	۰	۰,۲۲۵
نظام راهبردی شرکتی	GOV	۷۷۴	۰,۵۰۵	۰,۲۴۳	۰	۱
نگهداشت وجه نقد	CASH	۷۷۴	۰,۰۸۴	۰,۱۰۴	۰,۰۰۱	۰,۸۳۳
اهرم مالی	Lev	۷۷۴	۰,۵۳۷	۰,۲۱۸	۰,۰۳۱	۱,۸۲۴
بازده دارایی‌ها	ROA	۷۷۴	۰,۱۵۶	۰,۱۶۳	-۰,۵۸۱	۰,۶۷۳
اندازه شرکت	SIZE	۷۷۴	۱۵,۰۶۰۰۳	۱,۵۰۸	۱۱,۳۶۱	۲۱,۳۲۷
ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	۷۷۴	۲,۷۱۰۹	۱,۸۶۱	۰,۸۸۰۷	۱۳,۹۲۲
رشد فروش	SGROWTH	۷۷۴	۰,۴۸۵	۰,۶۵۶	-۰,۹۰۹	۶,۵۹۴
عمر شرکت	AGE	۷۷۴	۳,۶۷۸	۰,۳۳۴	۲,۷۷۲	۴,۲۴۸

مقدار میانگین برای متغیر اهرم مالی برابر با (۰,۵۳۷) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای ارزش بازار به ارزش دفتری برابر با ۱,۸۶۱ و برای اجتناب مالیاتی برابر با ۰,۰۷۹ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند. کمینه و بیشینه نیز کمترین و بیشترین را در هر متغیر نشان می‌دهد. به عنوان مثال بزرگ‌ترین مقدار اهرم مالی ۱,۸۲۴ است که نشان می‌دهد در شرکتهای نمونه شرکتی وجود دارد که کل بدهی‌های آن از کل دارایی‌ها بیشتر بوده و حقوق صاحبان سهام آن منفی است.

آزمون نرمال بودن داده‌ها

نرمال بودن متغیرها (به خصوص متغیر وابسته در مدل‌های رگرسیونی)، شرط اولیه انجام کلیه آزمون‌های پارامتریک می‌باشد. به منظور بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون شاپیرو ویلک استفاده شده است. در این آزمون‌ها هرگاه سطح معنی‌داری کمتر از ۵٪ باشد ($Sig < 5\%$), فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود.

مفروضات آزمون به‌قرار زیر می‌باشد:

H_0 : توزیع داده‌ها نرمال است.

H_1 : توزیع داده‌ها نرمال نیست.

نتایج آزمون تشخیص توزیع نرمال در جدول (۳) ارائه شده است:

جدول ۳. آزمون شاپیرو ویلک

نتیجه	سطح معناداری	آماره آزمون	نماد	متغیر
توزیع نرمال ندارد	۰,۰۰۰۰۰	۱۲,۲۵۳	PM	قدرت طلبی مدیریتی
توزیع نرمال ندارد	۰,۰۰۰۰۰	۶,۵۵۴	Tax	اجتناب مالیاتی
توزیع نرمال دارد	۰,۹۹۷۹۱	-۲,۸۶۴	GOV	نظام راهبری شرکتی
توزیع نرمال ندارد	۰,۰۰۰۰۰	۱۲,۲۸۵	CASH	نگهداشت وجه نقد
توزیع نرمال ندارد	۰,۰۰۰۰۰	۵,۳۴۷	Lev	اهرم مالی
توزیع نرمال ندارد	۰,۰۰۰۰۰	۶,۴۸۲	ROA	بازده دارایی‌ها
توزیع نرمال ندارد	۰,۰۰۰۰۰	۶,۸۳۱	SIZE	اندازه شرکت
توزیع نرمال ندارد	۰,۰۰۰۰۰	۱۱,۵۹۱	MB	ارزش بازار به ارزش دفتری
توزیع نرمال ندارد	۰,۰۰۰۰۰	۱۱,۹۹۸	SGROWTH	رشد فروش
توزیع نرمال ندارد	۰,۰۰۰۰۰	۸,۰۹۷	AGE	عمر شرکت

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول (۳)، طبق آزمون تشخیص توزیع نرمال شاپیرو ویلک همه متغیرها (به غیر از متغیر نظام راهبری شرکتی) دارای سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد می‌باشد. لذا داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند. با استفاده از روش حذف داده‌های پرت اقدام به نرمال سازی متغیرهای پژوهش شده است.

آزمون مانایی متغیرها

برای بررسی وجود ریشه واحد در داده‌های پانل، می‌توان از آزمون لوین، لین و چو استفاده کرد که نتایج آن به‌صورت جدول (۴) عرضه می‌گردد.

جدول ۴. آزمون مانایی (لوین، لین و چو) برای تمامی متغیرهای پژوهش

نتیجه	سطح معناداری	آماره آزمون	نماد	نام متغیر
مانا است	۰,۰۰۰۰	-۱۸,۰۸۱۸	PM	قدرت طلبی مدیریتی
مانا است	۰,۰۰۰۰	-۱,۵e+۰۲	Tax	اجتناب مالیاتی
مانا است	۰,۰۰۰۰	-۲۲,۹۱۰۲	GOV	نظام راهبری شرکتی
مانا است	۰,۰۰۰۰	-۲۶,۳۳۴۷	CASH	نگهداشت وجه نقد
مانا است	۰,۰۰۰۰	-۵۸,۹۸۰۵	Lev	اهرم مالی
مانا است	۰,۰۰۰۰	-۲۷,۷۹۵۸	ROA	بازده دارایی‌ها
مانا است	۰,۰۰۸۲	-۲,۴۰۰۵	SIZE	اندازه شرکت
مانا است	۰,۰۰۰۰	-۲۷,۶۳۷۶	MB	ارزش بازار به ارزش دفتری
مانا است	۰,۰۰۰۰	-۱۸,۷۷۴۹	SGROWTH	رشد فروش
مانا است	۰,۰۰۰۰	-۶۲,۱۵۶۳	AGE	عمر شرکت

باتوجه به جدول (۴)، مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری همه متغیرها در آزمون مانایی لوین، لین و چو کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرها است.

آزمون اف لیمر (چاو) و هاسمن

به منظور تخمین مدل‌های پژوهش از تکنیک داده‌های تلفیقی استفاده شد.

جدول ۵. نتایج آزمون اف لیمر (چاو) و هاسمن

آزمون هاسمن		آزمون اف لیمر		آزمون	فرضیه
سطح معنی‌داری	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	آماره آزمون		
۰,۰۰۰۰	۱۷۷,۷۸	۰,۰۰۰۰	۲,۳۰		فرضیه (مدل) اول
۰,۰۰۰۰	۱۹۳,۱۷	۰,۰۰۰۰	۲,۳۶		فرضیه (مدل) دوم

با توجه به نتایج جدول (۵)، سطح معناداری آزمون اف لیمر در مدل‌های پژوهش کمتر از ۵ درصد است، از این رو نوع داده‌ها تابلویی و آزمون هاسمن تعیین کننده نوع رگرسیون خواهد بود با توجه به نتایج آزمون هاسمن در مدل‌های پژوهش سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است لذا باید از روش پانل دیتا- ثابت استفاده کرد.

آزمون ناهمسانی واریانس

وقتی خطاها ناهمسان باشند، انحراف معیار عرض از مبدأ بسیار بزرگ می‌شود. انحراف معیار ضرایب شیب نیز به شکل ناهمسانی بستگی دارد. برای مثال اگر واریانس خطاها به شکل مثبتی با مجذور یک متغیر توضیحی در ارتباط باشد، انحراف معیار ضریب آن متغیر، بسیار بزرگ خواهد بود (افلاطونی، ۱۳۹۵). فرض‌های آماری این آزمون به شرح ذیل است. فرضیه‌ی صفر: واریانس مقادیر خطا همسان است. فرضیه‌ی مقابل: واریانس مقادیر خطا همسان نیست.

جدول ۶. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	آماره آزمون	مدل آزمون
وجود ناهمسانی واریانس	۰,۰۰۰۰	۲,۹e+۰۵	فرضیه (مدل) اول
وجود ناهمسانی واریانس	۰,۰۰۰۰	۳,۵e+۰۵	فرضیه (مدل) دوم

نتایج حاصل در جدول (۶)، نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون در مدل‌های پژوهش کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلال می‌باشد. که این مشکل در تخمین نهایی مدل پژوهش با اجرای دستور gls رفع شده است.

خود همبستگی سریالی

یکی از فرض‌های اساسی در تخمین مدل رگرسیون به روش OLS عدم خودهمبستگی بین جملات خطا یا همبستگی سریالی است. چون مقادیری که متغیرهای توضیحی در مدل به خود می‌گیرند تصادفی هستند، بنابراین مقادیر خطا نیز باید در کل تصادفی باشند. یعنی، بین مقادیر جملات خطا همبستگی و ترتیب خاصی وجود نداشته باشد و در طول زمان به‌طور منظم تغییر نکند، زیرا اگر چنین باشد، تغییرات جملات خطا تصادفی نبوده و به مقادیر متغیرهای توضیحی وابسته خواهد بود. همبستگی بین مقادیر خطا ممکن است در بین سال‌های مختلف و یا در بین مقاطع مختلف وجود داشته باشد (بنی مهد و همکاران، ۱۳۹۵).

فرضیه‌های آماری و پژوهش در آزمون به شرح زیر است:

فرضیه‌ی صفر: عدم وجود خودهمبستگی

فرضیه‌ی مقابل: وجود خودهمبستگی

جدول ۷. نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی

نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	آماره آزمون	مدل آزمون
وجود خودهمبستگی	۰,۰۰۱۰	۱۱,۲۹۷	فرضیه (مدل) اول
وجود خودهمبستگی	۰,۰۰۱۸	۱۰,۱۴۵	فرضیه (مدل) دوم

با توجه به نتایج جدول (۷)، مشاهده می‌شود که سطح معناداری آزمون والد ریچ برای مدل‌های پژوهش کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی در مدل‌ها می‌باشد. که این مشکل در تخمین نهایی مدل با اجرای دستور $Auto\ Correlation$ رفع شده است.

آزمون هم خطی

در آمار، عامل تورم واریانس (variance inflation factor=VIF) شدت هم خطی چندگانه را ارزیابی می‌کند. در واقع یک شاخص معرفی می‌گردد که بیان می‌دارد چه مقدار از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده بابت هم خطی افزایش یافته است. شدت هم خطی چندگانه را با بررسی بزرگی مقدار VIF می‌توان تحلیل نمود. اگر آماره آزمون VIF به یک نزدیک بود نشان‌دهنده عدم وجود هم خطی است. به عنوان یک قاعده تجربی مقدار VIF بزرگتر از ۱۰ باشد هم خطی چندگانه بالا می‌باشد (سوری، ۱۳۹۴).

جدول ۸. آزمون هم خطی برای مدل‌های رگرسیونی

مدل دوم	مدل اول	مدل آزمون	
(VIF)	(VIF)	نام متغیر	
۵,۶۰	۱,۰۳	Tax	اجتناب مالیاتی
۳,۵۳	----	GOV	نظام راهبری شرکتی
۷,۳۰	---	TaxGOV	اجتناب مالیاتی* نظام راهبری شرکتی
۱,۳۲	۱,۳۱	CASH	نگهداشت وجه نقد
۱,۶۱	۱,۵۹	Lev	اهرم مالی
۱,۹۶	۱,۹۵	ROA	بازده دارایی‌ها
۱,۱۲	۱,۱۱	SIZE	اندازه شرکت
۱,۰۳	۱,۰۳	MB	ارزش بازار به ارزش دفتری
۱,۱۲	۱,۱۰	SGROWTH	رشد فروش
۱,۰۵	۱,۰۵	AGE	عمر شرکت

همان‌طور که در نتایج آزمون هم خطی در جدول بالا قابل مشاهده است، مقادیر عامل تورم واریانس کمتر از عدد ۱۰ است که بیانگر عدم وجود هم خطی می‌باشد.

نتیجه آزمون فرضیه اول

فرضیه اول بیان می‌دارد: اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیران تاثیر مثبت و معناداری دارد. از این رو فرضیه را می‌توان به صورت زیر نوشت:
فرضیه H₀: اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیران تاثیر مثبت و معناداری ندارد.
فرضیه H₁: اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیران تاثیر مثبت و معناداری دارد.

جدول ۹. نتیجه آزمون فرضیه اول

$$PM_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 Tax_{i,t} + \beta_2 CASH_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 MB_{i,t} + \beta_7 SGROWTH_{i,t} + \beta_8 AGE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره z	سطح معناداری
اجتناب مالیاتی	Tax	۱,۶۹۲	۰,۵۱۷	۳,۲۷	۰,۰۰۱
نگهداشت وجه نقد	CASH	۰,۱۲۲	۰,۳۴۹	۰,۳۵	۰,۷۲۷
اهرم مالی	Lev	-۰,۵۹۱	۰,۲۶۹	-۲,۱۹	۰,۰۲۸
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰,۱۴۶	۰,۳۳۸	-۰,۴۳	۰,۶۶۵
اندازه شرکت	SIZE	۰,۲۹۹	۰,۰۳۶	۸,۲۸	۰,۰۰۰
ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	۰,۰۰۰۲	۰,۰۰۰۱	۱,۵۳	۰,۱۲۶
رشد فروش	SGROWTH	۰,۲۸۳	۰,۰۵۹	۴,۷۴	۰,۰۰۰
عمر شرکت	AGE	۰,۲۳۹	۰,۱۴۳	۱,۶۷	۰,۰۹۴
C		-۴,۵۱۷	۰,۷۷۹	-۵,۷۹	۰,۰۰۰
ضریب تعیین				۰,۱۷۵۲	
آماره آزمون				۱۳۴,۴۲	
سطح معناداری آزمون				۰,۰۰۰۰	

نتایج جدول (۹)، نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی با ضریب مثبت و سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد تاثیر بر قدرت طلبی مدیران دارد و فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و رشد فروش دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشند از این رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند و متغیر کنترلی اهرم مالی دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو رابطه معکوس و معناداری با متغیر وابسته دارد. ضریب تعیین برابر با ۱۷ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۱۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۱۳۴,۴۲ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

نتیجه آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم بیان می‌دارد: نظام راهبردی شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران تاثیر معکوس و معناداری دارد. از این رو فرضیه را می‌توان به صورت زیر نوشت:

فرضیه H₀: نظام راهبردی شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران تاثیر معکوس و معناداری ندارد.
فرضیه H₁: نظام راهبردی شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران تاثیر معکوس و معناداری دارد.

جدول ۱۰. نتیجه آزمون فرضیه دوم

$$PM_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 Tax_{i,t} + \beta_2 GOV_{i,t} + \beta_3 (Tax_{i,t} \times GOV_{i,t}) + \beta_4 CASH_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 ROA_{i,t} + \beta_7 SIZE_{i,t} + \beta_8 MB_{i,t} + \beta_9 SGROWTH_{i,t} + \beta_{10} AGE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر وابسته: قدرت طلبی مدیران					
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معناداری
اجتناب مالیاتی	Tax	۴,۳۳۳	۱,۱۸۹	۳,۶۴	۰,۰۰۰
نظام راهبردی شرکتی	GOV	۰,۲۴۳	۰,۲۱۰۰۵	۱,۱۶	۰,۲۴۶
اجتناب مالیاتی* نظام راهبردی شرکتی	TaxGOV	-۵,۳۲۷	۱,۶۸۱	-۳,۱۷	۰,۰۰۲
نگهداشت وجه نقد	CASH	۰,۱۲۴	۰,۳۹۱	۰,۳۲	۰,۷۵۱
اهرم مالی	Lev	-۰,۵۵۱	۰,۳۹۳	-۱,۴۰	۰,۱۶۱
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰,۰۶۳	۰,۵۴۰۹	-۰,۱۲	۰,۹۰۶
اندازه شرکت	SIZE	۰,۳۱۲	۰,۰۷۲	۴,۲۹	۰,۰۰۰
ارزش بازار به ارزش دفتری	MB	۰,۰۰۰۳	۰,۰۰۰۱	۱,۷۴	۰,۰۸۱
رشد فروش	SGROWTH	۰,۲۶۹	۰,۰۶۲	۴,۳۴	۰,۰۰۰
عمر شرکت	AGE	۰,۲۴۹	۰,۲۱۹	۱,۱۴	۰,۲۵۵
C		-۴,۹۰۸	۱,۵۱۴	-۳,۲۴	۰,۰۰۱
ضریب تعیین				۰,۱۸۶۷	
آماره آزمون				۶۷,۲۲	
سطح معناداری آزمون				۰,۰۰۰۰	

نتایج جدول (۱۰)، نشان می‌دهد که متغیر تعاملی اجتناب مالیاتی*نظام راهبردی شرکتی با ضریب منفی و سطح معنی‌داری کمتر از ۵ درصد تاثیر معکوس بر قدرت طلبی مدیران دارد و فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و رشد فروش دارای ضریب مثبت و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می‌باشند از این رو رابطه مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارند. ضریب تعیین برابر با ۱۸ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره والد برابر با ۶۷,۲۲ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول: اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیران تاثیر مثبت و معناداری دارد.

طبق فرض دوره مالی، فعالیت‌ها و عملیات واحدهای انتفاعی معمولاً در دوره‌های زمانی مشخص و معین انجام می‌شود. و بعد از اتمام هر دوره مالی شرکت‌ها مشمول مالیات برای آن دوره می‌شوند و شرکت‌های فعال در بورس همانند سایر شرکت‌ها باید اقدام به پرداخت مالیات کنند. از طرفی، طبق نظریه مطلوبیت

انتظاری، در نظریه تصمیم‌گیری، ارزش انتظاری یک تصمیم برای یک فرد است که با جمع کردن مطلوبیت حاصل از رخ دادن هر کدام از نتایج تصمیم ضرب در احتمال رخ دادن آن تصمیم، بدست می‌آید. مدیران همیشه به دنبال افزایش قدرت طلبی خود در بنگاه‌های اقتصادی هستند تا از این طریق بتوانند سمت خود را حفظ کنند یکی از عواملی که می‌تواند موجب افزایش قدرت طلبی مدیران گردد اجتناب مالیاتی است. با توجه به نتایج به دست آمده از فرضیه اول این پژوهش، مشخص شد که اجتناب مالیاتی دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده و ضریب آن عددی مثبت است بنابراین می‌توان گفت که اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیران تاثیر معناداری دارد و این ارتباط به صورت مستقیم است. یعنی با افزایش اجتناب مالیاتی، قدرت طلبی مدیران نیز بیشتر می‌شود. نتایج حاصل از این فرضیه مرتبط با نتیجه شمس و همکاران (۲۰۲۱) است.

فرضیه دوم: نظام راهبری شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران تاثیر معکوس و معناداری دارد.

به طور معمول تجزیه و تحلیل اجتناب مالیاتی براساس تئوری مطلوبیت انتظاری می‌باشد و این امر منجر به بسیاری از مسائل کمی و کیفی شده است. در ادبیات اجتناب مالیاتی این اعتقاد وجود دارد که با افزایش نرخ مالیات، میزان اجتناب مالیاتی نیز افزایش می‌یابد و در تئوری چشم‌انداز، مؤدیان مالیاتی سود و زیان خود را نسبت به نقطه مرجع مقایسه می‌کنند و تصمیم‌گیری مؤدیان درجه اهمیت متفاوتی دارد. حساسیت تصمیم‌گیری مؤدیان نسبت به سود و زیان ناشی از اجتناب مالیاتی و همچنین دانستن این نکته که اجتناب از ضرر فاکتوری بسیار مهم در تئوری چشم‌انداز است، توجیه‌کننده عوامل اقتصادی نتایج حاصل می‌باشد. از طرفی، نظام راهبری شرکت هر چقدر قویتر باشد نظارت بر شرکت بیشتر بوده و در نتیجه قدرت طلبی مدیران نیز کنترل می‌شود. بنابراین انتظار بر این است که نظام راهبری شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران تاثیر معکوس و معناداری دارد. با توجه به نتایج به دست آمده از فرضیه دوم این پژوهش، مشخص شد که تعامل نظام راهبری شرکت و اجتناب مالیاتی دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده و ضریب آن عددی مثبت است بنابراین می‌توان گفت که نظام راهبری شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران تاثیر معکوس و معناداری دارد. یعنی با افزایش نظام راهبری شرکت و افزایش اجتناب مالیاتی و تعامل آنها، قدرت طلبی مدیران کمتر می‌شود. نتایج حاصل از این فرضیه مرتبط با نتیجه شمس و همکاران (۲۰۲۱) است. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. بهبود و توسعه فرهنگ مالیاتی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تمکین داوطلبانه مؤدیان مالیاتی و افزایش کارایی و اثربخشی وصول مالیات تلقی می‌شود و سازمان‌های مالیاتی کشورهای مختلف درصد هستند تا با ایجاد شرایط مناسب، اعتماد مؤدیان مالیاتی را جلب کنند با توجه به نتایج این پژوهش و تاثیر معکوس نظام راهبری شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران، به سازمان بورس و نهادهای زیربسط پیشنهاد می‌شود با اتخاذ قوانینی در جهت زمینه‌سازی‌های مناسب افزایش نظام راهبری شرکتی اقدامات لازم انجام دهند.

۲. براساس یافته‌های نتایج به دست آمده این پژوهش، مبنی بر اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیران، به شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود برای حفظ وجهه اجتماعی و ارزش شرکت و کمک به کارایی بازار سرمایه تدابیری در جهت کنترل قدرت طلبی مدیران اتخاذ کنند.

۳. طبق یافته‌های به دست آمده از این پژوهش مبنی بر ارتباط مستقیم و معنادار اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیران، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود در انتخاب شرکت‌ها به اجتناب مالیاتی و قدرت طلبی مدیران توجه خاصی بنمایند؛ زیرا این خصیصه‌های مدیریتی در راستای منافع جامعه نبوده و در بلندمدت در راستای منافع سرمایه‌گذاران نیز نخواهد بود و موجبات ضرر و زیان برای آن‌ها و جامعه می‌شود.

همچنین به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود که:

۱. به بررسی تاثیر رویکردهای مدیریت مالیات بر قدرت طلبی مدیران با تاکید بر نقش نظام راهبری شرکت پرداخته شود.

۲. به بررسی تاثیر رویکردهای مدیریت مالیات بر قدرت طلبی مدیران با تاکید بر نقش نظام راهبری شرکت به صورت پیمایشی پرداخته شود.

۳. تاثیر رویکردهای مدیریت مالیات بر قدرت طلبی مدیران با تاکید بر نقش نظام راهبری شرکت در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت انجام شود.

۴. به بررسی تاثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت طلبی مدیران با تاکید بر ارتباطات سیاسی پرداخته شود.

References

- Armstrong, C.S., Blouin, J.L., Jagolinzer, A.D. and Larcker, D.F. (2015), "Corporate governance, incentives, and tax avoidance", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 60 No. 1, pp. 1-1.
- Bauer, A.; Kenneth, J.K. (2022), *Tax Risk as the Likelihood of an Unfavorable Settlement with Tax Authorities*. Available online: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2403946 (accessed on 1 January 2022).
- Bayar, O., Huseynov, F. and Sardarli, S. (2018), "Corporate governance, Tax avoidance, and financial constraints", *Financial Management*, Vol. 47 No. 3, pp. 651-677
- Choi, H. Hu, R. Karim, H. (2020), The effect of consistency in book-tax differences on analysts' earnings forecasts: Evidence from forecast accuracy and informativeness, *Journal of Accounting and Public Policy* Volume 39, Issue 3, May-June 2020, 106740.
- Choi, J.; Park, H. (2022), *Tax Avoidance, Tax Risk, and Corporate Governance: Evidence from Korea*. Sustainability 2022, 14, 469. <https://doi.org/10.3390/su14010469>
- Chouaibi, Jamel Matteo Rossi, Nouha Abdessamed (2021) The effect of corporate social responsibility practices on tax avoidance: an empirical study in the French context, *Competitiveness Review Issue(s) available: 100 – From Volume: 1 Issue: 1, to Volume: 31 Issue: 5*
- Dakhli, A. (2021), "The impact of ownership structure on corporate tax avoidance with corporate social responsibility as mediating variable", *Journal of Financial Crime*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JFC-07-2021-0152>
- Desai, M. A., and D. Dharmapala. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value, *The Review of Economics and Statistics*,: 91.
- García-Meca, E. Ramón-Llorens, M. C. Martínez-Ferrero, J. (2021), Are narcissistic CEOs more tax aggressive? The moderating role of internal audit committees, *Journal of Business Research* Volume 129, May 2021, Pages 223-235.
- Goerke, L. (2019), "Corporate social responsibility and tax avoidance", *Journal of Public Economic Theory*, Vol. 21 No. 2, pp. 310-331.
- Govindan, K., Kilic, M., Uyar, A., & Karaman, A. S. (2021). Drivers and value-relevance of CSR performance in the logistics sector: A cross-country firm-level investigation. *International Journal of Production Economics*, 231, 107835.
- Hanlon, M. & S. Heitzman. (2010). A Review of Tax Research, *Journal of Accounting and Economics*, 50.
- Herawati, N., Rahmawati, Bandi, B., & Setiawan, D. (2021). Family ownership and corporate tax aggressiveness: The moderating effect of independent commissioner. *Journal of Governance & Regulation*, 10(4), 84-92. <https://doi.org/10.22495/jgrv10i4art7>
- Huseynov, F., Sardarli, S. and Zhang, W. (2017), "Does index addition affect corporate tax avoidance?", *Journal of Corporate Finance*, Vol. 43, pp. 241-259.
- Khorramabadi, Mehdi. Lashkar Ara, Soheila. Pourgholamreza, Neda. (1401), the role of the quality of corporate governance on the relationship between corporate social responsibility and tax avoidance, strategic budget and financial research, year 3, number 1, pp. 97-125.
- Khushkar, Farzin. Islamic-Sarab, Majid. Kerami, Ali. (1400), Investigating the moderating role of corporate social responsibility on the relationship between the quality of corporate governance and tax avoidance, Boyne Scientific Journal of Research Approaches in Management and Accounting, Volume 5, Number 19, pp. 384-401.
- Kim, I.; Kim, J.; Kang, J. (2022), *Company Reputation, Implied Cost of Capital and Tax Avoidance: Evidence from Korea*. Sustainability, 12, 9997. [CrossRef]
- Kovermann, J., & Velte, P. (2019). The impact of corporate governance on corporate tax avoidance—A literature review. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 36, 100270.
- Lanis, R. and Richardson, G. (2012), "Corporate social responsibility and tax aggressiveness: an empirical analysis", *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 31 No. 1, pp. 86-108.
- Lanis, R., Richardson, G., Liu, C. and McClure, R. (2018), "The impact of corporate tax avoidance on board of directors and CEO reputation", *Journal of Business Ethics*, pp. 1- 36.
- Mokhtari, Baqer. Jabri Khosrowshahi, Ainaz. (1401), investigating the effect of internal controls on tax avoidance with emphasis on the moderating role of company reputation and institutional ownership, Accounting and Management Perspectives Quarterly, Volume 5, Number 63.
- Montenegro, T (2021) Tax Evasion, *Corporate Social Responsibility and National Governance: A Country-Level Study*, Sustainability 13(20):11166 DOI:10.3390/su132011166
- Natalia, Maria., Verani Carolina, Joni Joni (2021) RELATIONSHIP BETWEEN CORPORATE SOCIAL RESPONSIBILITY DISCLOSURE, CORPORATE GOVERNANCE, AND TAX AVOIDANCE, Vol 25, No 1 (2021)

- Nurani Azad, Samaneh. Mowgli, Alireza. Zarai, Nahid. (1400), Investigating the impact of markup and corporate governance on tax avoidance of companies listed on the Tehran Stock Exchange, *Scientific Research Quarterly of Industrial Economics*, Volume 5, Number 18, pp. 45-58.
- Rajaeizadeh Harandi, Ehsan. Ashuri, Jaber (1400), Investigating the effect of financial expertise on tax avoidance of companies listed in the Tehran Stock Exchange, *Boyan Scientific Journal of Research Approaches in Management and Accounting*, Volume 5, Number 19, pp. 1281-1295
- Richardson, G., Wang, B. and Zhang, X. (2016), "Ownership structure and corporate tax avoidance: evidence from publicly listed private firms in China", *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, Vol. 12 No. 2, pp. 141-158
- Salhi, Bassem., Rakia Riguen, Maali Kachouri and Anis Jarboui (2019) *The mediating role of corporate social responsibility on the relationship between governance and tax avoidance: UK common law versus French civil law*, DOI 10.1108/SRJ-04-2019-0125
- Wang, G, Taylor, G, Lanis, R (2016). "The impact of financial distress on corporate tax avoidance spanning the global financial crisis: Evidence from Australia", *Economic Modelling*, Vol. 44, PP. 44
- Ying, T., Wright, B., & Huang, W. (2017). Ownership structure and tax aggressiveness of Chinese listed companies. *International Journal of Accounting & Information Management*.
- Zeng, T. (2019). Relationship between corporate social responsibility and tax avoidance: international evidence. *Social Responsibility Journal*.